

شناسایی مؤلفه‌های عینی و ذهنی مؤثر در طراحی نما در جهت ارتقاء هویت منظر شهری و افزایش حس تعلق شهروندان

امیررضا کریمی‌آذری* - استادیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت.
مهسا صفرنژاد - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه گیلان، رشت.

چکیده

بحث‌نماسازی در ساختمان و ساخت‌بدنه‌شهری یک بحث هویتی و فرهنگی است. افزایش ساخت‌وسازهای شهری، مشخص نبودن محدوده ساخت‌وساز، گسترش انبوه‌سازی در سال‌های اخیر سبب شده است، که نمای بسیاری از شهرها دچار نوعی بی‌نظمی شود که این بهم‌ریختگی در منظرشهری ما بیشتر ناشی از تقلیدهای کورانه از سبک‌های معماری و نبود متغیرهای دسته‌بندی‌شده، جهت‌به‌کارگیری در طراحی نماها است. از طرفی وجود نماهای گوناگون در پوسته‌های شهری باعث برهم خوردگی زیبایی کل شهر گردیده است. لذا شناسایی و تدوین مؤلفه‌های عینی و ذهنی برای طراحی نمای مطلوب و یکپارچه در شهر ضروری می‌باشد، چرا که وجود تنوع و ناهمگونی در نماهای شهری نوعی بی‌هویتی و عدم یکپارچگی و پیوستگی در مفاهیم مرتبط با معماری در حوزه نما و منظر شهری را به وجود آورده است. بنابراین به نظر می‌رسد ارتقاء هویت شهر و افزایش حس تعلق و خاطره‌انگیزی شهروندان به شکل‌دهی و زیبایی نماها در شهر وابسته است که این امر با شناسایی و بهره‌مندی از اصول تدوین‌شده مشخص برای طراحی نما میسر می‌گردد. لذا با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه منابع کتابخانه‌ای با هدف بازخوانی هویت بصری در نماهای شهری در انطباق با مؤلفه‌های هویت‌بخش معماری به اهمیت و تأثیر نما در هویت‌بخشی به محیط و متغیرهای مؤثر در نماسازی که موجب ارتقاء هویت و افزایش حس تعلق شهروندان می‌شود، پرداخته شده است. یافته‌ها نشان داده، شاخص‌هایی چون تناسب، هماهنگی، رنگ، مقیاس، خطوط آسمان و ترکیب‌بندی در بعد عینی و معنی‌داری و آموزندگی و خاطره‌انگیزی در بعد ذهنی در طراحی نما تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: نما، منظر شهری، حس تعلق شهروندان، هویت، مؤلفه‌های عینی و ذهنی.

* نویسنده مسئول، amirreza_karimiazari@guilan.ac.ir

مقدمه

لینچ در کتاب «سیمای شهر» تحلیل تصویر ذهنی شهر را مهم بر شمرده است. ریخت‌شناسی، عامل تشخیص یک شهر از شهر دیگر است و همین عامل، تشخیص و هویت شهر را نشان می‌دهد (کربلایی نوری، ۱۳۸۶). لذا نمای شهر که از بارزترین نمودهای شهر است و ریخت شهر را تشکیل می‌دهد و همیشه در دید ناظر بوده، موجب تداعی خاطره‌هاست و همین خاطره‌ها حس تعلق به مکان و در نهایت ایجاد هویت برای شهروندان را تداعی می‌کند (نصر، ۱۳۸۳، ص ۷۱). نما یکی از مؤثرترین عناصر تأثیرگذار بر کیفیت بصری یک بنا می‌باشد و شناخت اولیه هر فرد از بنا از این طریق صورت می‌گیرد (قربان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳). در واقع یک بنا یا خانه برای انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان آن را مرکز دنیای فرد نامید بنابراین خانه می‌بایست بتواند در فضای درونی و جلوه بیرونی خود توقع «مرکز دنیای فرد بودن» را برآورده نماید (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۸۹). انسان‌ها با تأثیرپذیری از ویژگی‌های جغرافیایی، اقلیمی و استراتژیک، شهر و خانه‌ها را در بستر طبیعی جایگزین می‌کردند و سپس با ظرافت مناسب با سنن اجتماعی و فرهنگی و با اتکا به تجارب معماری محلی، بافت شهری را به وجود می‌آوردند.

اما امروزه متأسفانه به خاطر گستردگی و پیچیدگی نیازها و از طرفی به عاریت گرفتن ارزش‌ها و راه‌حل‌های غیرخودی و نامأنوس، آن ظرافت‌ها و کیفیت‌ها از دست‌رفته است (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۶۹)، و در معماری معاصر عدم توجه به اصول معماری بومی در نمای ساختمان‌ها سبب ایجاد نابسامانی منظر شهری و عدم تعلق و خودباوری شهروندان گردیده است، در حالیکه معماری و شهرسازی هر ملت، بازتاب شرایط ذهنی و فرهنگ آن جامعه است. لذا شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ناهنجار و ناپایدار در شهرهای ما، نابسامانی و اغتشاش حاکم بر منظر شهری را به مرز آزردهنده‌ای رسانده است (احمدی، ۱۳۸۸، صص ۱۷۵-۱۷۴). البته نابسامانی نما منحصر به ساختمان‌های مسکونی نیست و کلیه ساختمان‌های شهری را در برمی‌گیرد. بنابراین با توجه به اینکه نمای شهری همیشه در دید ناظر قرار دارد و از عناصر سازنده منظر شهری بوده و بر زیبایی و کیفیت محیط تأثیرگذار است، لذا عدم توجه به آن موجب بی‌کیفیتی و بی‌هویتی شهر می‌گردد (کریمی‌آذری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱)، چراکه در محیط‌های شهری اولین چیزی که به چشم می‌خورد، نمای ساختمان‌هاست و نماهای نامطلوب شهری با ایجاد اختلال بصری، موجب آلودگی دیداری و در نهایت پریشانی و آشفتگی ذهنی و روانی و عدم تعلق ساکنان شده و زمینه تشدید آسیب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. لذا نمای ساختمان‌ها یکی از عناصری است که در ارتقاء کیفیت فضای شهر و اللقاء آرامش تأثیر زیادی دارد و از طرف دیگر به مثابه معرفی هویت ساکنان می‌باشد. هر چند معضل نابسامانی نما یکی از رایج‌ترین موضوعات مورد انتقاد معماران و طراحان شهری می‌باشد ولی کمتر به این موضوع در قالب تحقیق پرداخته شده است، لذا ضرورت دارد در طراحی به آن توجه گردد. از جمله علل نابسامانی نماها را می‌توان عواملی چون اعمال سلیقه و دخالت غیر کارشناسانه، حاکمیت فرهنگ بساز بفروشی، فقر مالی و فنی سازندگان، مواد و مصالح نامرغوب و تقلید کورکورانه از فرهنگ غرب و از همه مهم‌تر، نبود اصول و چارچوب تدوین‌شده برای طراحان دانست. لذا در این تحقیق برآنیم تا با هدف آسیب‌شناسی موضوعی نماهای ساختمانی و شناخت مقوله‌ای به نام هویت در نما و پیوستگی آنها بایکدیگر، نمای ساختمان‌ها را به‌عنوان یکی از عناصری که در ارتقاء کیفیت فضای شهر و اللقاء حس تعلق به شهروندان تأثیر زیادی دارد؛ معرفی، و متغیرها و راهکارهای مؤثر در طراحی نمای منسجم و با هویت را استخراج و دسته‌بندی کنیم.

۱. پرسش‌های پژوهش

با توجه به اینکه داشتن فضاهای شهری با هویت، در گرو داشتن جداره‌های شهری با هویت می‌باشد و جداره‌های شهری را همان نماهای ساختمان‌ها تشکیل می‌دهند، بنابراین به نظر می‌رسد استخراج و دسته‌بندی مؤلفه‌های طراحی نما و به کارگیری آن اصول تدوین‌شده در طراحی‌های امروزه در جهت افزایش حس تعلق و خاطره‌انگیزی شهروندان و ارتقاء هویت شهر و ساکنان آن می‌تواند مؤثر باشد. سؤالاتی که در این ارتباط مطرح می‌گردد شامل:

- اهمیت و تأثیر نما در هویت‌بخشی به محیط چیست؟
- متغیرهای عینی و ذهنی مؤثر در نماسازی که موجب خاطره‌انگیزی و تعلق شهروندان می‌شود، کدام‌اند؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهشی تحت عنوان «آسیب‌شناسی منظر شهری (نمای ساختمان) با بررسی تأثیر فرهنگ آپارتمان‌نشینی (مطالعه موردی شهرستان سیاهکل)» انجام شده، که این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و میدانی صورت گرفته و در صدد آن است نشان دهد که چگونه رشد جمعیت و افزایش تقاضای مسکن موجب از بین رفتن بافت قدیمی شهرها و بی‌توجهی به نمای ساختمان‌ها شده است (کریمی آذری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱). پژوهش دیگری تحت عنوان «تبیین مفهوم شناختی معیارهای زیباشناسی در منظر شهر» انجام گرفته که با استفاده از روش تحقیق تحلیلی-توصیفی به بررسی خصوصیات و کیفیات منظر شهر، تبیین معیارهای زیباشناسی در منظر شهر و دسته‌بندی نظریات زیبایی‌شناسانه و در نهایت ارائه عناصر و کیفیت‌های منظر شهری زیبا پرداخته است. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داده که منظر شهر جنبه عینی یا قابل ادراک محیط است که به نوبه خود واجد فرم، عملکرد، معنا و به‌خصوص زیبایی است (شاملو و حبیب، ۱۳۸۹، ص ۵). پژوهشی تحت عنوان «بررسی ضرورت و میزان بهره‌مندی نماهای ساختمان‌های مسکونی معاصر از اصول معماری بومی نمونه موردی: نماهای مسکونی شهر بجنورد»، انجام شده که در این مقاله تلاش گردیده ضمن تأکید بر ضرورت همسازی نما با معماری بومی، الگوهای بومی معماری شهر بجنورد استخراج گردیده و با سنجش میزان بهره‌مندی نماهای مسکونی فعلی از این اصول، الگوهای مناسبی که قابلیت تسری در معماری کنونی استان خراسان شمالی را دارند شناسایی شده و به اهمیت و چگونگی کاربرد این الگوها به‌خصوص در نمای ساختمان‌های مسکونی منطقه پرداخته شود (قربان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱). پژوهشی دیگر تحت عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر طراحی بدنه‌های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناسی و زیست‌محیطی، مطالعه موردی: خیابان ولیعصر شهر قشم»، انجام گرفته که هدف از پژوهش حاضر توجه به ویژگی‌های خاص شهر قشم، با تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناسی و زیست‌محیطی و شناسایی عوامل مؤثر بر طراحی بدنه‌های شهری خیابان ولیعصر در شهر قشم به‌عنوان شاخص‌ترین خیابان این شهر می‌باشد (خاکزند و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۵). پژوهشی تحت عنوان «تحلیلی بر رابطه میان شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی از منظر کیفیت و امنیت کالبدی در بافت قدیمی شهر ارومیه»، با روش پیمایشی تحلیلی با هدف ارزیابی کیفیت زندگی شهری با توجه به معیار کیفیت و امنیت کالبدی در سکونتگاه‌ها انجام شده است. بر این اساس معیار کیفیت و امنیت کالبدی از دو وجه عینی و ذهنی در بافت قدیمی شهر ارومیه به‌عنوان نمونه موردی، مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است (هاشم‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۳).

۳. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده به این ترتیب که با بررسی اسناد و مدارک علمی و کتابخانه‌ای مبانی نظری و عوامل عینی و ذهنی طراحی نما که موجب ایجاد حس تعلق شهروندان به محیط و ارتقاء کیفیت و هویت محیط‌های شهری می‌گردد استخراج گردید و با تحلیل اطلاعات به دست آمده از طریق توزیع فراوانی، دستورالعمل‌ها و چارچوب لازم برای طراحی نما حاصل شد، به عبارتی رابطه بین نظر و عمل و توجه به کیفیت‌هایی که از جمله عوامل ایجاد محیط مطلوب و با هویت برای طراحی نمای ساختمان‌ها هستند شناسایی گردید.

۴- مبانی و چارچوب نظری

۴-۱. تعریف واژه‌ها

- ۱- **نما:** نما در لغتنامه دهخدا به معنای صورت ظاهری هر چیزی، آنچه که در معرض دید و برابر چشم است، آنچه از بیرون دیده می‌شود، منظره خارجی بنا، قسمت خارجی ساختمان و نماسازی، فن روسازی ساختمان و ساختن نمای بنا است.^۱
- ۲- **منظر شهری:** منظر شهری آن بخش از محیط یا فرم شهر است که بر روی کنش و واکنش شخص و نتایج اعمال وی مؤثر است. در منظر شهری است که بخشی از اطلاعات بالقوه محیط به کیفیتی مستقیماً محسوس تبدیل می‌شود. بدین ترتیب منظر شهری جنبه عینی یا قابل ادراک محیط می‌باشد که به نوبه خود دارای فرم، عملکرد و معناست (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱). منظر شهری از جنبه‌های بصری-کالبدی و همچنین غیربصری محیط (صداها، بوها، بافت‌ها و غیره) شکل می‌گیرد.

۳- **سیمای شهر:** اطلاعات پردازش شده در ذهن (تصویر ذهنی از محیط یا فضای مورد ادراک) را سیمای گویند (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۵). تصویر ذهنی شهر یا سیمای شهر، در واقع کلیت به هم پیوسته‌ای از نمادها و نشانه‌هاست که به مفاهیم، ارزش‌ها، معانی و چیزهایی شبیه آن واقعیت می‌بخشد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۲۱).

۴-۲. تعریف مفاهیم

۱- **مفهوم نما:** نمای هر ساختمان در مجموعه شهری که در آن حضور دارد مؤثر است و این تأثیر را به بدنه خیابان‌ها یا میدان‌ها که در آن قرار گرفته است، انتقال می‌دهد. در واقع نمای شهری متشکل از بناهای شهری است. بنابراین وقتی که از دید معماری با این کلمه برخورد می‌کنیم، اشاره مستقیمی به نمای ساختمان‌ها داریم (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۸۲). در واقع نمای ساختمان‌ها به صورت یک صفحه نمایش ترکیبات معماری ظاهر می‌گردد. ترکیب‌های معماری حاوی نوعی معنا هستند و از اینرو قادرند که خیال آدمی را تحریک نمایند و با وی ارتباط برقرار کنند. به همین دلیل بخش‌های عمده‌ای از ارتباط انسان با محیط اطرافش از طریق ارتباط بصری و ذهنی وی با ترکیب‌های معماری آن محیط اتفاق می‌افتد، این نوع ارتباط که خصلتی بسیار تجریدی دارد، زمینه‌ای برای تحریک ارتباط‌های غیرتجریدی‌تر و مشخص‌تر است (صفا منش، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰).

پاکزاد معتقد است، نما حد فاصل درون و برون بناست و به‌عنوان عنصری سه بعدی، محل تلاقی ویژگی‌ها و جنبه‌های خصوصی، معماری بنا و جنبه‌های عمومی و شهری است. در این حالت نما عضوی از بدنه و حتی منظر شهری تلقی شده و نقشی گسترده‌تر از نقش معمارانه می‌یابد (پاکزاد، ۱۳۸۲، ص ۵۴). همچنین وی بر این باور است، نما در حوزه بصری در حوزه ادراک و رفتار نیز جایگاه ویژه‌ای دارد تا آنجا که به‌عنوان دریچه درک بصری عمل می‌کند و ادراک بصری محیط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و علاوه بر اثرات بصری و زیبایی‌شناسی واجد اثرات روانی و اجتماعی نیز گردیده و مؤثرترین عنصر تأثیرگذار بر کیفیت بصری بنا و فضا می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

- **حبیب** بر این اعتقاد است، نمای شهری که بتواند تصویر مناسبی از خود به جای بگذارد، می‌تواند نقش اجتماعی هم داشته باشد، چرا که به مردم کمک می‌کند، بدانند در کجا هستند و در نتیجه محیط را خوانده و به‌نحو مطلوب‌تری فعالیت‌هایشان را تنظیم کنند و می‌تواند خاطرات جمعی و ارتباطات گروهی را افزایش دهد (حبیب، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

- **کریور** می‌گوید که ترکیب یک نما با در نظر گرفتن نیازهای عملکردی (پنجره‌ها، درهای بازشو، سایه‌بان و سطح مسقف) اساساً باید به دنبال خلق یک کلیت هماهنگ به وسیله تناسب خوب، وزن‌های عمودی و افقی، مصالح، رنگ و عناصر تزئینی باشد (کریور، ۱۹۹۲).

- **لینچ** (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «طرح شهر و نما و ظاهر شهر» ضمن اشاره به اهمیت نما به ارائه معیارهایی برای نما و ظاهر خوب می‌پردازد. به‌زعم لینچ، معیارها باید در برگیرنده نیازهای متعدد بوده، به صورت کلی تعریف شده و چنان مستقیماً به فرم مربوط باشد که سنجش ارزش هر طرح پیشنهادی را در مقایسه با سایر پیشنهادها ممکن سازد. وی بهترین منبع این معیارها را مراجعه مستقیم به خود مردم یا ملاحظه انتخاب‌هایشان دانسته و بهترین عرصه برای عرصه چنین معیارهایی را، عرصه روان‌شناسی محیط می‌داند. معیارهایی که لینچ معرفی می‌نماید (جدول ۱)، عبارتند از: «تهییج، تنوع، قابلیت شناسایی، خاطره‌انگیزی، سرزندگی، هویت، تصویرپذیری، خوانایی، انعطاف‌پذیری، سادگی، وضوح، چیرگی بخشی از فرم، تطابق با محیط، معنی‌داری و آموزندگی» (ارجمندفر، ۱۳۸۸، صص ۱۴-۱۳).

جدول ۱: معیارهای درک نما و ظاهر محیط و منظر شهر (لینچ، ۱۳۸۷)

تهییج	تهییج باید در محدوده‌ای قرار گیرد که مزاحم آسایش نشود. محیط نباید زیاد گرم یا سرد باشد، نه زیاد پر سر و صدا، نه مملو از اطلاعات توخالی، نه زیاد کثیف و نه زیاد تمیز.
تنوع در محیط	تنوع عاملی مهم در بسط قوه تمیز و شناسایی آدمی است. تنوع در محیط اختیار ساکنان محیط را در گزینش فعالیت مناسب خود افزایش می‌دهد و سبب می‌شود که ایشان بتوانند بر لذت خاطر خود به سبب تنوع و تغییر بیفزایند. مثال: باغ و پارکی متفرد، تنها و آرام در کنار خیابانی پر رفت و آمد و شلوغ.
هویت مکانی (خوانایی)	مکان‌ها باید قابل شناسایی، خاطره‌انگیز، سرزنده و پرهیجان باشند. یک خیابان نباید شبیه هر خیابان دیگر باشد. مناظر شهر باید طوری نظام یابند که ناظری معمولی بتواند آنها را در ذهن خود به یکدیگر پیوند دهد و الگوی آنها را در زمان و فضا بفهمد، هم

در واقعیت و هم در خاطر.

حوزه نفوذ می‌توان از صحنه‌ها و عوامل رؤیت‌پذیری استفاده کرد که پیام‌آور حوزه نفوذ و یا صحنه عملکرد باشد. این صحنه‌ها شامل عرصه‌های عمومی و عرصه‌های خصوصی و نیمه خصوصی می‌گردد.

- **توسلی** همچنین با بیان اصولی برای ترکیب توده و فضا، نمای مطلوب را نمایی می‌داند که دارای نظم، وحدت و ترکیب، مقیاس، تناسب و هماهنگی باشد. سادگی، وجود عنصر نشانه، تعادل، مجاورت، هماهنگی، تقارن، تداوم و پیوستگی فضایی، محصوریت، تباین و قلمرو دیگر اصولی است که وی برای طراحی فضا معرفی می‌نماید (توسلی، ۱۳۶۷).

- **صفامنش** نیز با دغدغه ایجاد هویت و هماهنگی در منظر عینی شهر، رویکردی فرهنگی را اتخاذ می‌کند و از نگاه وی طراحی نمای ساختمان بیش از دیگر عناصر تشکیل‌دهنده ساختمان بر اصول ارزش‌های ذهنی و فرهنگی به اصطلاح غیر مادی مبتنی است (صفامنش، ۱۳۷۳).

۳-۴. مبانی تحقیق

• شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری

تدوین معیارها و شاخص‌های مفید زندگی شهری به منظور مدلسازی اولویت‌ها، انتظارات و نیازهای واقعی شهروندان در هر مقیاس مطالعه ضروری است (Kokabi, 2005, p 8). اما به دلیل ماهیت چندرشته‌ای و چندبعدی کیفیت زندگی شهری، یافتن مجموعه ویژگی‌ها و شاخص‌های مشترک در ادبیات کیفیت زندگی، کاری غیرممکن است. البته به اعتقاد برخی از محققان، تعداد ابعاد مورد بررسی کیفیت زندگی بسیار مهم نیست، بلکه آنچه اهمیت بیشتری دارد، توجه به این مطلب است که هر مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی، باید بتواند نیاز به داشتن یک چارچوب چند بعدی را تشخیص دهد و به اینکه چه چیزهایی برای مردم در تعیین کیفیت زندگیشان مهم است توجه کند و شاخص‌های اساسی هر بعد را در کنار سایر ابعاد در کل، نماینده مفهوم کاملی از کیفیت زندگی بداند (Rabbani & Kianpour, 2007, p 75). به عبارت دیگر کیفیت زندگی مفهومی است وابسته به مفاهیمی دیگر که افراد آن را از روش‌های مختلف عینی و ذهنی درک می‌کنند. کیفیت زندگی بر گرفته از دو منبع اصلی است: نفس موضوع که ارزش وجودی آن خوانده می‌شود و دیگری ارزش قابل اندازه‌گیری است (Alexander, 1970, p13). کیفیت عینی زندگی با استفاده از شاخص‌های عینی که مرتبط با واقعیات قابل مشاهده و ملموس زندگی هستند، اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص‌ها از داده‌های ثانویه مانند تراکم جمعیت، نرخ جرم، میزان تحصیلات، خصوصیات خانوار و غیره حاصل می‌شوند. واقعیت خیلی مهم این است که کیفیت نمی‌تواند تنها از طریق شرایط عینی تعیین شود، بلکه در نظر گرفتن بهزیستی ذهنی افراد نیز دارای اهمیت است. **فوتوان سیک** اظهار می‌کند که شاخص‌های عینی به تنهایی نمی‌توانند کیفیت واقعی زندگی را نمایش دهند، زیرا این شاخص‌ها دارای پایایی بالا، اما قابلیت اطمینان پایین در ارزیابی بهزیستی انسانی‌اند (Foo Tuan Seik, 2000, p 34). وجه دیگر کیفیت زندگی جنبه ذهنی آن است. کیفیت ذهنی زندگی بر حسب رضایت کلی افراد از زندگی و به عنوان یک کل اندازه‌گیری می‌شود. در این روش رضایت کلی از زندگی معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی اندازه‌گیری می‌شود. **لی** اظهار می‌کند که کیفیت باید ذهنی باشد و مناسب‌ترین شیوه برای کشف کیفیت زندگی، پرسیدن ادراک مردم از آنهاست. وی همچنین معتقد است که شاخص‌های ذهنی برای اهداف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نسبت به شاخص‌های عینی ارجح است، زیرا این شاخص‌ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فراهم می‌کنند. با وجود این، شاخص‌های ذهنی پایایی کمتر و قابلیت اطمینان بیشتری دارند. بنابراین الزام در زمینه تدوین معیارهای کیفیت زندگی بر توجه توأمان به بعد ذهنی و عینی کیفیت زندگی شهری استوار است (Mahmoudinezhad & Sadeghi, 2008, p 94). و استفاده از هر دو پاسخ دستیابی به سنج‌های دقیق‌تر کیفیت ذهنی زندگی را تسهیل می‌کند.

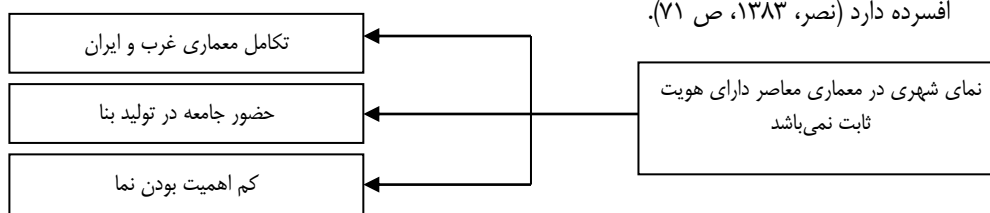
• سیر تحول نما

بررسی سیر تحول نما و منظر در فضاهای شهری جهان: در طول تاریخ معمولاً نمای ابنیه به لحاظ طرح و مصالح پرکارتر از سایر عناصر بوده‌اند، اما در معماری مدرن موضوع نما مورد تردید قرار گرفت و آنچه از نمای ابنیه‌ی نیمه‌ی اول قرن بیستم در

حافظه‌ی تاریخ باقی‌مانده، ابنیه‌ای است با نماهای بسیار ساده و بی‌پیرایه. با زمزمه پیدایش نگرشی تازه به نام "پست مدرنیسم" بعد از دهه هفتاد میلادی، مقیاس و تناسبات انسانی، جزئیات، تزئینات، زواید و عناصری که کاربردی نداشتند بار دیگر به معماری بازگشتند و لزوم وجود آن به‌عنوان چیزی که باعث افزایش عمر بصری یک بنا می‌شود، احساس شد. معماری پست مدرن ساختمان‌ها را که در معماری مدرنیستی غالباً سفید بودند به صورت رنگی ارائه کرد و کاربرد رنگ‌های درخشان در نمای ساختمان‌ها را تشویق نمود. در گرایش‌های معماری اکوتک و پایدار پوشش ساختمان مجموعه‌ای است یکپارچه و به هم پیوسته که تلاش می‌کند تا خصوصیات سامانه‌های طبیعی را برای بنا ایجاد نماید. این گرایش‌ها به جای استفاده از واژه نما برای ساختمان از واژه پوست استفاده می‌کنند (قربان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴). بررسی سیر تحول نما و منظر در فضاهای شهری ایران: تاریخ معماری ایران با زیبایی‌نمای بناها گره خورده است. طراحی و پرداخت نما در معماری ایرانی به زوایه دید ورودی بنا محدود نشده و کلیت کالبد بیرونی آن را در بر گرفته است. اما امروزه معماری به مسئله و چالش جامعه تبدیل شده و تک بناهای معمارانه کارکرد موزه‌ای یافته‌اند. یکی از تفاوت‌های شهر مدرن با شهر کلاسیک نیز در همین دگرگونی هویت انسانی شهر و خانه و فضاهای عمومی است (قربان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴).

• نما و تأثیر آن در ایجاد هویت شهر و حس تعلق ساکنان شهر

نمای هر ساختمان عاملی مؤثر در مجموعه شهری است که در آن حضور دارد و در بدنه خیابان‌ها و یا میدان‌هایی که در آن قرار گرفته تأثیر می‌گذارد. اگر به نمای ساختمان واحدی بدون در نظر گرفتن نمای دیگر ساختمان‌ها فکر شود، همگونی نمای شهری در کلیت از بین می‌رود. در ساختن هر نما معمولاً مصالحی به کار می‌رود که در رنگ، شکل، زبری و خشنی نما تأثیر می‌گذارد مصالح بومی نشان می‌دهد که نما مربوط به چه منطقه‌ای است. نمای شهری از مجموعه نماهای مشرف به فضاهای عمومی به دست می‌آید و هریک از نماها در شهر نشانه وضعیت اقتصادی و اجتماعی سازنده و نحوه تفکر و نگرش او به مسایل مختلف است. نمای ساختمان در واقع آن جز مهم از ساختمان است که تداعی‌گر خاطره‌هاست و همین خاطره‌ها حس تعلق به مکان و در نهایت ایجاد هویت برای شهر را تداعی می‌کند که متأسفانه امروزه به علت ضعف قوانین الزام‌آور برای طراح و سازنده در این ارتباط، نما در کمترین اهمیت قرار گرفته است و لازم است تا قوانینی اتخاذ شود که این جلوه‌های هویتی حفظ شوند. شهرسازی معاصر ایران در تعامل بین باور سنتی و دیدگاه وارداتی واقع گردیده، از طرفی این بی‌هویتی در معماری و به تبع آن در نمای معماری خود را بیشتر مشهود می‌نماید (نمودار ۱). نما در معماری امروز تنها به‌عنوان پوشش نهایی مطرح‌بوده و نمایشی از هویت نیست (نصر، ۱۳۸۳، ص ۷۱). از طرفی به معماری و شهرسازی کهن افتخار می‌کنیم و آنچه که در جوار آن می‌سازیم هیچ‌گونه ارتباطی با آن نداشته و شکلی بی‌هویت و ساختاری ناهمگون و چهره‌ای غریبه و افسرده دارد (نصر، ۱۳۸۳، ص ۷۱).



نمودار ۱: علل بی‌توجهی به هویت در نمای شهر معاصر (نصر، ماجدی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۴)

• نما و جایگاه آن در طراحی شهری

طراحی نما از جمله مسائل ظریفی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در منظر شهری دارد. نمای ساختمان مهم‌ترین عنصری است که معماری آن را بیان می‌کنند (توسلی، ۱۳۶۷، ص ۸۱). زیرا یکی از اولین عوامل ارتباط میان مردم با اثر معماری می‌باشد. طراحان نیز قبل هر چیز در مورد نمای ساختمان قضاوت می‌کنند. در گذشته به‌علت کمبود مصالح و محدودیت‌ها، ساخت‌وسازها دارای ویژگی‌های ظاهری یکسانی بودند اما پیشرفت جوامع و تنوع مصالح باعث به وجود آمدن ساختمان‌های گوناگون شد که ارتباط بصری زیادی با هم ندارند. در اینجا طراح شهری حق اظهار نظر پیدا می‌کند و سعی در کنترل و هماهنگ کردن فعالیت طراحان معمار دارند تا بتوانند یک کل هماهنگ را ایجاد کنند. از اینرو قوانین و ضوابطی برای طراحی

نما به منظور جلوگیری از تنوع زیاد و آشفتگی وضع شد، این عمل با مخالفت معماران مواجه شد که آن را مانع تکامل معماری اصیل می‌شمردند و در نتیجه آن را در بهترین حالت ایجاد یکنواختی در طرح‌ها بیان می‌کنند (گروتز، ۱۳۸۶). همچنین باید خاطر نشان کرد که بافت‌های تاریخی از لحاظ منظر و بدنه‌های شهری حساس هستند، زیرا خلق یک بنای نامربوط و نمای ناهماهنگ باعث مخدوش شدن منظر تاریخی آن شده و سالیان دراز باید بگذرد تا این وصله نامناسب از سطح بافت تاریخی زدوده شود (توسلی، ۱۳۶۷). به همین دلیل در کشورهای غربی قوانینی در جهت حفظ نمای بنا و تخریب و دوباره‌سازی قسمت پشت بناها انجام می‌شود تا منظر تاریخی شهر به بهترین نحو حفظ و نگهداری شود.

• عوامل نابسامانی و بی‌هویتی در نمای شهری

نمای شهر امروز و به تبع آن عدم وجود هویت در معماری به دو عامل زیر می‌تواند بستگی داشته باشد:

۱- ناسازگاری ساختی الگوی معماری مدرن با سایر الگوهای معماری در منظر شهر: مسئله وضوح بصری یا خوانایی در منظر شهری امروز به گونه‌ای نادیده گرفته شده است. در واقع هویت، حلقه گم‌شده زنجیر در ساخت‌وسازهای امروزی است، این اصل نادیده گرفته شده موجب شده که چهره معماری و شهرسازی شهرهای اکثر نقاط کشور به گونه‌ای بی‌هویت گردد. تماشای شهر، هر چقدر که مناظر آن معمولی باشد دلپذیر تواند بود. شهر نیز مانند یک بنای نفیس معماری، ساختمانی است که در فضا قد برمی‌افزاید؛ با این تفاوت که مقیاسی بزرگتر دارد و تنها با گذشت زمان، شکل و منظر نهایی خود را می‌یابد. از اینرو می‌توان گفت که طرح شهر مانند هنری است که به زمان بستگی دارد. لحظه‌ای می‌رسد که به جستجوی هویت و معنای گذشته‌مان برمی‌خوریم. چنانچه برای بررسی هویت آثار معماری در کنار توقع در برداشتن میراث محیطی فرهنگی، موضوع و کارکرد آن‌ها نیز قرار گیرد، بهتر خواهیم توانست به ارزیابی مسئله بپردازیم و آنگاه می‌توان حتی آثاری را با هویت یافت که مستقل از میراث محیطی فرهنگی مکان آن آثار باشند (نصر و ماجدی، ۱۳۹۲، ص ۲۷۴).

۲- تأثیر ضوابط طرح‌های جامع و تفصیلی در منظر شهر ایرانی: در این ضوابط از هیچ یک از اجزاء تشکیل‌دهنده نماها، نحوه ترکیب‌بندی و ساختار نمای ساختمانی یا حتی مصالح به‌کاررفته در آن سخن نمی‌رود و محتوای آن‌ها با مقوله‌هایی چون هویت، زیبایی، معنی‌دار بودن، هماهنگی با محیط و غیره کاملاً بیگانه است. دخالت ضوابط طرح‌های جامع و تفصیلی در معماری خود خیابان و عناصر موجود در آن نیز از این هم کمتر است و تنها به تعیین عرض معبر محدود می‌گردد. این نوع ضوابط جز در ارقام و اعداد مربوط به ساختمان که در نهایت تعیین‌کننده تعداد طبقات است به‌نحوی یکسان و بدون تغییر و تطبیق با ویژگی‌های هر گوشه از شهر در سراسر شهر اعمال می‌گردد، بی‌آنکه به نوع و سبک معماری موجود در هر قسمت از شهر و نیز مورفولوژی هر قسمت از بافت شهری که در دوران خاصی و با سبکی ویژه شکل گرفته توجیهی مبذول گردد و کوششی برای هماهنگ کردن ساخت‌وسازهای جدید با نماهای قدیمی صورت گیرد. به‌علت بحران اقتصادی و التقاط در معماری معاصر ایران، امکان تدوین الگوی مشخص در نمای معماری معاصر نیست (نصر، ۱۳۸۳، ص ۷۱).

• عوامل اصلی تشکیل‌دهنده منظر زیبا

تحولات چند دهه اخیر در منظر شهرها، سبب شده است، تا تدوین ضوابط و مقررات برای ساماندهی نماهای شهری مورد توجه قرار گیرد. به‌طوری‌که یکی از مهم‌ترین مسائلی که نظر طراحان شهری را به خود جلب نموده، مسئله منظر عینی شهر می‌باشد. فقدان هویت، نابسامانی و اغتشاش بصری از مهم‌ترین انتقاداتی است که به منظر عینی شهری امروز می‌شود. ابعاد مورد توجه در بررسی تمامی مصادیق و مقیاس‌های مورد عمل طراحی شهری مشتمل بر ابعاد عملکردی، زیبایی‌شناسی، زیست محیطی و هویتی ادراکی است (گلکار، ۱۳۷۹) که در این پژوهش تأکید بر شناسایی شاخص‌های عینی و ذهنی زیبایی‌شناسی و هویتی ادراکی می‌باشد.

• عوامل اصلی تشکیل‌دهنده منظر زیبا از نظر کالان

- دید متوالی در طراحی فضا: دیدهای پیاپی، احساس و تصور از مکان و مضمون درک‌شده از فضا، سه عامل اصلی ارتباط شخصی با فضا محسوب می‌شود.

- اجزای مؤثر جداره فضا در غنا بخشیدن به محیط شهری: رنگ، بافت، مقیاس، سبک، ویژگی، سرشناسی، منحصر به فرد بودن، وحدت، جاذبه مفهومی (معنا)، تباين فضایی، پیوستگی فضایی.

- مؤلفه کیفیت در طراحی فضای شهری: تجربه زیبایی‌شناختی، تأکید بر بعد کالبدی محیط (جبرگرای کالبدی) در کنار تأکید بر هماهنگی فرم و عملکرد (کالن، ۱۳۸۲).

• عوامل اصلی تشکیل‌دهنده منظر زیبا از نظر ویتیک

علاوه بر عوامل اصلی تشکیل‌دهنده منظر شهری زیبا، پنج معیار عام زیباشناختی (تنوع، ترکیب‌بندی، ابهام، تداعی و معنا)، که در زیباشناسی طبیعت و زیباشناسی هنر نیز کاربرد دارد به اختصار مطرح می‌شود و کارکردهای آن‌ها با توجه به ویژگی‌های زیباشناسی منظر مورد تأکید قرار می‌گیرد (ویتیک، ۱۳۸۵).

- **تنوع و پیچیدگی:** وجود تنوع، پیچیدگی در محیط، باعث تحریک حواس، کنجکاوی و تخیل می‌گردد و احساس اشتیاق، لذت و کشف را منجر می‌شود و یکنواختی به عدم تحرک ذهنی، یعنی احساس ملال و کسالت می‌انجامد.

- **ترکیب‌بندی:** از عوامل اصلی پیدایش کیفیت زیبایی در منظر شهر است که از طریق ترکیب ویژه عناصر و اجزای پراکنده و بی‌معنا واقعیت جدیدی آفریده می‌شود که برای حواس انسان قابل درک و معنادار می‌گردد. ترکیب‌بندی خود واجد معیارها و موازین مختلف نظیر تناسب هماهنگی تعادل و مقیاس می‌باشد که هدف اصلی آن نظم‌بخشی به جهان بیرونی و تجلی آن در روان انسان است. در منظر شهر ترکیب‌بندی در مقیاس وسیع، به‌عنوان نحوه انتظام مجموعه، عناصر کالبدی، انسانی، اجتماعی، فضایی و نمادین مطرح می‌گردد.

- **ابهام:** یکی از ویژگی‌های ادراک انسانی است که تا حد معین موجب تحریک حواس، کنجکاوی و انگیزش عواطف می‌شود، از دیدگاه روان‌شناسی می‌توان گفت ابهام، ذهن را به کشف ناشناخته‌ها و بازی تخیل و رویاپردازی می‌کشاند که خود مایه شور و اشتیاق و لذت درونی می‌گردد، در عرصه منظر شهر پدیده ابهام در متن خوانایی کل شهر تا آنجا که محل شناخت عمومی محیط نباشد به جاذبه فضایی کمک می‌کند.

- **انگیزش تداعی و خاطره:** تداعی یکی از قوانین و نیروهای مهم روان‌شناختی است که از طریق یادآوری و احیای خاطره‌ها، میان انبوه تصاویر ذهنی و ادراکات حسی رابطه برقرار می‌کند و باعث تحریک و خلاقیت در دنیای آدمی می‌شود. در واقع یکی از جاذبه‌های زیبایی این است که با تحریک ذهن خودآگاه و ناخودآگاه و انگیزش خاطرات، انسان را از فضای محدود زیستی به فضای نامحدود حسی می‌برد.

- **معنا:** حس معنا یکی از ویژگی‌های مغز و اندیشه انسان است که در هر پدیده‌ای به دنبال معنا می‌گردد. انسان همانطور که برای واژه‌ها اشیا و فعالیت‌ها، مفهوم، تعریف و معنایی قابل است برای محیط نیز در جستجو مقصود و معنایی است. بدون رسیدن به حس معنا در محیط و فضا، انسان احساس ناشناختگی، غریبگی و بی‌معنایی می‌کند، بنابراین نمی‌تواند به احساس لذت و اشتیاق و آرامش دست یابد (ویتیک، ۱۳۸۵).

• اجزا و ارکان نما

در بررسی شکل شناختی نماهای شهری دو جنبه اساسی ارکان و اجزا مطرح می‌باشد. در مسیر تهیه ضوابط و مقررات دسته‌بندی‌شده برای نماهای شهری، شناخت اجزای مختلف نما بسیار مهم است. از طرفی قسمت دیگر طراحی تلاش در جهت ایجاد هماهنگی میان اجزای نماست، این امر در بافت‌هایی که دارای معماری تاریخی و با ارزش هستند اهمیت پیدا می‌کند. به‌طور کلی در طراحی نما چه به صورت مجزا و چه در ارتباط با کل لازمست به عناصر (اجزاء) تشکیل‌دهنده نما توجه ویژه داشت. این عناصر عبارتند از: پهنه نما، سطوح شفاف و کدر، ورودی، سطوح خالی، خطوط نما، بالکن، کنسول یا پیش آمدگی، الحاقات نمای بدنه‌های شهری، الحاقات نما، عناصری هستند که جزء طرح اولیه ابنیه نبوده و بعداً بر اثر نیاز مالک یا ساکن به مرور زمان به ساختمان الحاق شده‌اند و تأثیر به‌سزایی در شکل منظر شهری ایجاد می‌کنند (عابدی، ۱۳۹۱). بنتلی این اجزا را؛ پنجره‌ها، جزییات جداره همکف، وزن‌های عمودی، وزن‌های افقی و خطوط آسمان نام می‌داند (Bentley & al, 1985).

• اصول و قواعد طراحی و ترکیب‌بندی نما

۱- **تناسبات:** منظور از تناسب نما، نسبت میان ارتفاع به عرض آن قطعه می‌باشد. قطعات از لحاظ تناسبات در سه دسته قرار می‌گیرند: قطعات افقی یا خوابیده، قطعات عمودی یا ایستاده، قطعات با تناسب مساوی یا بدون جهت. نماها و به خصوص چیدمان آن‌ها در کنار یکدیگر در چهار سطح پایه، بدنه، بالا و تاج باید مورد توجه قرار گیرند (قربان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳).

۲- **نظم:** نظم در معنای وسیع کلمه مبین وضع و کیفیتی است که دارای نظام و ترتیب باشد. حالتی به دور از آشفتگی و بهم ریختگی (ویتریویوس، ۱۳۸۸). ویتریویوس معتقد است که نظم به اجزای متفرق یک اثر اندازه‌ای در خور بخشیده و بین آنها توافق و تناسب ایجاد می‌کند. نظم در بدنه شهری را از طریق تکرار و ترکیب‌بندی در نماها می‌توان دنبال کرد.

۳- **وحدت:** به معنای غلبه و تسلط یک مفهوم و یا عامل بصری در یک ترکیب‌بندی می‌باشد. به‌طور مثال مفهوم بزرگ‌نمایی یک جز در ارتباط با اجزای دیگر. یک اثر نمی‌تواند شامل اجزای پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر باشد (ویتریویوس، ۱۳۸۸). نقش و وظیفه طراحی به دست آوردن نوعی نظم از میان بی‌نظمی است. معمار از تناسب و توازن جهت رسیدن به نظم و وحدت در اثر خود استفاده می‌کند. در بدنه شهری مفهوم وحدت به مفهوم هماهنگی بسیار نزدیک است وحدت به معنی ترکیب، هماهنگی و مجاورت نماهای گوناگون به‌گونه‌ای که در قالب یک کل قابل درک باشند. و هر نما با نماهای دیگر هماهنگ باشد.

۴- **نظریه گشتالت:** گشتالت کلمه‌ای آلمانی است به معنای فرم؛ این نظریه به ما می‌آموزاند که آنچه از یک جسم به صورت کل درک می‌شود. با آنچه از مجموع تک تک اجزای آن درک می‌شود، متفاوت است و به هم مرتبط نمی‌باشد. این نظریه در بخش‌های ذیل بیان می‌گردد: قانون هم‌جواری، قانون تشابه، قانون امتداد، قانون شکل خوب، قانون شکل و زمینه، قانون تکمیل و دوگانگی (لنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰).

۵- **مقیاس:** تناسب ارزشی است ذهنی، که تنها در ارتباط با شکل قابل بررسی است. تناسب حاکی از آن است که بین اندازه‌های مختلف چه نسبت‌هایی وجود دارد در صورتیکه مقیاس گویای اندازه‌های واقعی است (گروتز، ۱۳۸۶). مقیاس انسانی یکی از مهم‌ترین مفاهیم معماری و طراحی شهری به شمار می‌آید و به معنای نسبت ابعاد ساختمان‌ها و فضای شهری به ابعاد انسان است. مقیاس در واقع مقایسه مجموعه‌ای از اندازه‌ها و نسبت‌ها در نماها و عناصر شهری با یکدیگر است و مقیاس انسانی به ارتباط قامت انسان با نمای فضای شهری مربوط می‌شود (توسلی، ۱۳۶۷).

۶- **مجاورت:** گروتز نحوه هم‌نشینی بنا با محیط اطرافش را به سه دسته تقسیم می‌کند؛ تجانس؛ هم‌زمانی ساختمان با محیط اطرافش از حیث فرم و تکنیک ساخت، تضاد؛ آنچه ساخته می‌شود به عمد از محیط جدا شده و به‌عنوان عنصری متمایز است، تقابل؛ آنچه ساخته می‌شود نه تنها جدا از محیط است بلکه با آن مقابله نیز می‌کند. هم‌زمانی ساختمان با محیط اطرافش از حیث فرم مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد ارتباط شکلی میان دو بنای مجاور در نمای شهری، رابطه میان تناسب اجزا و اشکال روزنه‌ها، ورودی‌ها، سطوح پر نما، پیوستگی خطوط نماها و مواردی دیگر مانند رنگ و ترکیب مصالح می‌باشد (توسلی، ۱۳۶۷).

۷- **هماهنگی:** هماهنگی و هارمونی، نظمی است، که بین اجزای تشکیل‌دهنده‌ی یک پدیده یا اثر وجود دارد. هماهنگی، زیبایی و متوازن بودن اجزاست. این امر آنگاه پدید می‌آید که اجزای یک اثر ارتفاعی متناسب با عرض‌شان داشته باشند و عرضی متناسب با طولشان در یک کلام آنگاه که همه اجزا در عین متناسب باشند (ویتریویوس، ۱۳۸۸، ص ۲۱). از طرفی یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که رابطه مستقیمی با هماهنگی دارد مفهوم ارتباط است که در طراحی شهری از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا حصول هماهنگی در بدنه‌های شهری و ایجاد یک کل در نمای مجاور یکدیگر زمانی به وجود می‌آید که ارکان و اجزای نماها با یکدیگر ارتباط و اتصال داشته باشند (توسلی، ۱۳۸۲). هماهنگی در بدنه شهری ارتباطی قوی با مفاهیم دیگر دارد و دستیابی به هماهنگی در بدنه شهری با رعایت نظم وحدت تعادل ارتباط مجاورت تناسب امکان پذیر است.

۸- **آشفتگی، تضاد، هماهنگی، تشابه، یکنواختی:** هماهنگی از ارتباط اضداد به وجود می‌آید. اصولاً هر نوع ادراکی به دلیل وجود تضاد صورت می‌پذیرد زیرا تضاد باعث جدا شدن اشکال از زمینه‌شان می‌شود (گروتز، ۱۳۸۶)، همچنین تباین و

ناهمگونی می‌تواند جالب و هیجان‌انگیز بوده و در شرایط خاص مناسب باشد. ساختمان‌های مهم شهری همیشه متمایزند زیرا اگر همه ساختمان‌ها با هم متفاوت و متباین باشند نتیجه هرج و مرج و اغتشاش بصری است (هدمن، ۱۳۷۰).

۹- **ریتم:** مفهوم ریتم با مفهوم تکرار و حرکت ارتباط قوی دارد. عناصری مشابه که در کنار هم باعث القاء حس حرکت شده و چشم را به حرکت وا دارند پدیدآورنده ریتم هستند. ریتم که معمولاً با موسیقی مرتبط می‌باشد، تکرار یک عنصر در طراحی می‌باشد. ریتم در بدنه‌های شهری بایستی به نحوی به کار گرفته شود که موجب ایجاد یکنواختی نگردد، زیرا تکرار بیش از حد یک المان در نما بدون هیچ نقطه تأکیدی، چشم را خسته کرده و باعث یکدستی و یکنواختی نما می‌گردد (توسلی، ۱۳۸۲).

۱۰- **تقارن:** این مفهوم غالباً با تصور یک ترازو مقایسه می‌شود، زیرا نیروهای مساوی در دو سوی تکیه‌گاه تعادل ایجاد می‌کند؛ از این بیان می‌توان به اهمیت نقش تقارن در ایجاد تعادل پی‌برد. هر جا که تعادل حاکم باشد می‌توان انتظار تقارن را نیز داشت. تقارن در بدنه‌های دو فضای شهری عبارت است؛ از ترکیب و آرایش عناصر و اجزای همانند در دو سوی یک خط (صفحه) محور و تعادل در بدنه فضاهای شهری به معنای برابری، همترازی یا همسنگی وزن‌های بصری در نماست. در واقع ناظر با برقراری ارتباط بصری در میان نمای ساختمان‌های مجاور، تعادل مذکور را در ذهن خویش ایجاد می‌کند (توسلی، ۱۳۶۷).

۱۱- **خطوط نما (ارتفاع):** خطوط نما عناصری هندسی هستند، که ارتباط صحیح آن‌ها می‌توانند موجب نظم در بدنه شهری گردند. این خطوط به چهار دسته تقسیم می‌شوند؛ خط پایه (خط میان سطح پیاده‌رو و بدنه خیابان و میدان)، خط انتهایی طبقه اول (خط بالای ورودی‌ها)، خط فوقانی طبقات دوم و سوم و طبقات بالاتر و خطوط پنجره‌های این طبقات، خط لبه بام و جانپناه (توسلی، ۱۳۸۲).

۱۲- **خط آسمان:** به صورت حد فوقانی تاج ابنیه و فصل مشترک کالبد خیابان با آسمان می‌باشد که شامل دو جز است خط پایه که حد فوقانی جداره قائم بناست و خط ترکیب که حد نهایی جداره عقب نشسته با مرز بام قابل رؤیت در زمینه آسمان است که شامل احجامی است که در ترکیب بام بناها با ابنیه بلندتر مستقر در پشت جداره دیده می‌شود (ذکاو، ۱۳۷۵).

۴-۴. چارچوب نظری

با توجه به مبانی نظری و مطالب بیان شده به نظر می‌رسد، نمای ساختمان از طریق شکل‌دهی به سیمای شهری و تناسبات و زیبایی و تأثیر مثبت بر افزایش احساس لذت و تداعی خاطرات، موجب ارتقاء هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان می‌گردد (جدول ۲).

جدول ۲: نحوه ارتباط متغیر مستقل (نما) با وابسته (نگارندگان)

هدف نهایی	روانشناسی	محیط (معماری)
متغیر وابسته	متغیرهای میانجی اثر گذار	متغیر مستقل
ارتقاء هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان	افزایش احساس لذت و تداعی خاطرات	نمای ساختمان
		شکل‌دهی به سیمای شهری و زیبایی

۵. بحث و تحلیل یافته‌ها

با توجه به آراء صاحب‌نظران و بیان معیارهای مطرح‌شده مطابق با مبانی نظری این تحقیق متغیرهای عینی و ذهنی برای طراحی نما در جهت ارتقاء هویت و افزایش حس تعلق شهروندان در جدول ۳ دسته‌بندی شده‌است.

جدول ۳: تدوین متغیرهای عینی و ذهنی طراحی نما در بناهای امروزی در جهت ارتقاء هویت و افزایش تعلق شهروندان مطابق آراء صاحب نظران و بیان معیارهای مطرح شده توسط هر یک

متغیر وابسته	متغیر مستقل عینی	صاحب نظران	متغیر مستقل عینی	صاحب نظران
ارتقاء هویت و افزایش حس تعلق شهروندان	تناسبات (در اجزا و اشکال روزنه‌ها، ورودی‌ها)	(Krier, 1992)، (نصر، ۱۳۸۳، ص ۶۹)، (توسلی، ۱۳۶۷)، (گروتز، ۱۳۸۶)، (ویتیک، ۱۳۸۵)، (احمدی، ۱۳۷۵).	تداوم و پیوستگی فضایی	(توسلی، ۱۳۶۷)، (کالن، ۱۳۸۲)
	وزن‌ها و خطوط عمودی و افقی	(Krier, 1992)، (بنتلی و همکاران، ۱۹۸۵).	محصوریت	(توسلی، ۱۳۶۷)
	مصالح	(Krier, 1992)، (توسلی، ۱۳۶۷)	مطلوبیت	(احمدی، ۱۳۷۵)
	رنگ	(نصر، ۱۳۸۳، ص ۶۹)، (کالن، ۱۳۸۲)، (توسلی، ۱۳۶۷)، (Krier, 1992).	کثرت، تنوع و پیچیدگی	(ویتیک، ۱۳۸۵).
	عناصر تزئینی	(Krier, 1992)	مقیاس	(ویتیک، ۱۳۸۵)، (گروتز، ۱۳۸۶)، (کالن، ۱۳۸۲).
	هماهنگی	(صفامنش، ۱۳۷۳)، (توسلی، ۱۳۶۷)، (کالن، ۱۳۸۲)، (ویتیک، ۱۳۸۵)، (ویتروویوس، ۱۳۸۸، ص ۲۱)	خطوط آسمان (ارتفاع نما)	(ذکاوت، ۱۳۷۵)، (توسلی، ۱۳۸۲)، (Bentley & et.al, 1985)
	نظم	(توسلی، ۱۳۶۷)، (ویتروویوس، ۱۳۸۸)	فرم و کالبد	(کالن، ۱۳۸۲)، (شاملو و حبیب، ۱۳۸۹، ص ۵).
	وحدت	(کالن، ۱۳۸۲)	دید متوالی در طراحی فضا	(کالن، ۱۳۸۲)
	ترکیب‌بندی	(توسلی، ۱۳۶۷)، (ویتیک، ۱۳۸۵)، (توسلی، ۱۳۶۷).	بافت	(کالن، ۱۳۸۲)
	سادگی	(توسلی، ۱۳۶۷)	سبک	(کالن، ۱۳۸۲)
عنصر نشانه	(توسلی، ۱۳۶۷)	تعادل	(ویتیک، ۱۳۸۵)	
مجاورت	(لنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰)، (توسلی، ۱۳۶۷)	تقارن	(توسلی، ۱۳۶۷)	
تباين فضایی	(توسلی، ۱۳۶۷)، (کالن، ۱۳۸۲)	قوانین گشتالت	(لنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰)	
سطوح پر و خالی و فضای باز و بسته	(توسلی، ۱۳۶۷)، (نصر، ۱۳۸۳، ص ۶۹).	تضاد	(ویتیک، ۱۳۸۵)	
بازشوها (پنجره، ورودی)	(توسلی، ۱۳۶۷)، (بنتلی و همکاران، ۱۹۸۵)	ابهام	(ویتیک، ۱۳۸۵)	
متغیر مستقل ذهنی	صاحب نظران	صاحب نظران	متغیر مستقل ذهنی	
خاطره‌انگیزی	(حبیب، ۱۳۸۵، ص ۵۳)، (لینچ، ۱۳۸۷)، (ارجمندفر، ۱۳۸۸، صص ۱۴-۱۳)، (ویتیک، ۱۳۸۵)، (نصر، ۱۳۸۳، ص ۷۱)	معنی‌داری و آموزندگی	(لینچ، ۱۳۸۷)، (ارجمندفر، ۱۳۸۸، صص ۱۴-۱۳)، (نصر، ۱۳۸۳، ص ۷۱)، (ویتیک، ۱۳۸۵)، (کالن، ۱۳۸۲)، (شاملو و حبیب، ۱۳۸۹، ص ۵)	
تعامل	(حبیب، ۱۳۸۵، ص ۵۳).	لذت	(ویتیک، ۱۳۸۵)، (احمدی، ۱۳۷۵).	
تهییج	(ارجمندفر، ۱۳۸۸، صص ۱۴-۱۳).	خوشنودی	(احمدی، ۱۳۷۵)	

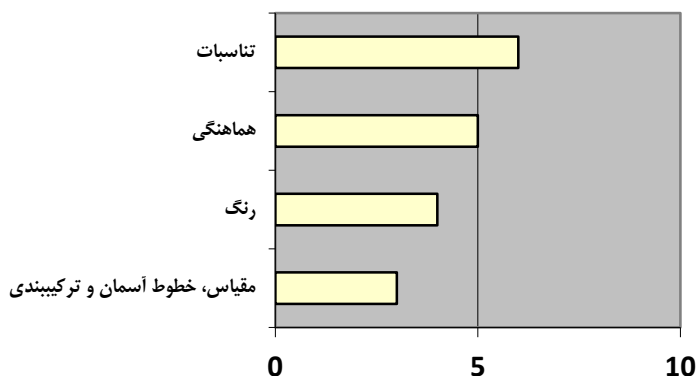
(لینچ، ۱۳۸۷)		
(لینچ، ۱۳۸۷)، (ارجمندفر، ۱۳۸۸، صص ۱۴-۱۳)	تصورپذیری	(ارجمندفر، ۱۳۸۸، صص ۱۴-۱۳)
(۱۳۸۸، صص ۱۴-۱۳)		(لینچ، ۱۳۸۷)
(ویتیک، ۱۳۸۵)	اشتیاق	(ارجمندفر، ۱۳۸۸، صص ۱۴-۱۳)
		(لینچ، ۱۳۸۷)
(ویتیک، ۱۳۸۵)	آرامش	(ارجمندفر، ۱۳۸۸، صص ۱۴-۱۳)
		(لینچ، ۱۳۸۷)

آمار توصیفی به کلیه روش‌هایی اطلاق می‌شود که به جمع‌آوری، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل و در نهایت نتیجه‌گیری از داده‌های خام می‌پردازد. آمار توصیفی شامل مجموعه‌ای از جداول، نمودارها و شاخص‌هاست. در حقیقت آمار توصیفی اطلاعاتی ابتدایی در رابطه با داده‌های خام که در حالت عادی غیرقابل درک هستند را در اختیار ما قرار می‌دهد. در این بخش به تحلیل آمار توصیفی داده‌های تحقیق‌مان براساس توزیع فراوانی و ارائه نمودار (۲) می‌پردازیم. به این صورت که عواملی که بیشتر صاحب نظران در این تحقیق به آن اشاره کرده‌اند و با آن اتفاق نظر دارند به‌عنوان عوامل مؤثر در طراحی نما انتخاب شده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴: آراء صاحب‌نظران به هر یک از مؤلفه‌های مؤثر در طراحی نما و انتخاب مؤلفه‌ها با بیشترین آراء برای ارائه راهکار نهایی

مرحله توصیف	مرحله تحلیل	عوامل مؤثر در طراحی نما در جهت ارتقاء هویت و افزایش حس تعلق مستخرج از مبانی نظری تحقیق
عوامل مؤثر در طراحی نما در جهت ارتقاء هویت و افزایش حس تعلق مستخرج از مبانی نظری تحقیق	تعداد صاحب نظرانی که به عوامل عینی و ذهنی طراحی نما تأکید کرده‌اند با توجه به مبانی نظری تحقیق (براساس جدول ۳)	عوامل منتخب براساس رای بیشتر
۱. تناسبات	۶	✓
۲. وزن‌ها و خطوط عمودی و افقی	۲	
۳. رنگ	۴	✓
۴. مصالح	۲	
۵. عناصر تزئینی	۱	
۶. هماهنگی	۵	✓
۷. نظم	۲	
۸. تداوم و پیوستگی فضایی	۲	
۹. محصوریت	۱	
۱۰. مطلوبیت	۱	
۱۱. کثرت، تنوع و پیچیدگی	۱	
۱۲. مقیاس	۳	✓
۱۳. خطوط آسمان (ارتفاع نما)	۳	✓
۱۴. فرم و کالبد	۲	
۱۵. وحدت	۱	
۱۶. دید متوالی در طراحی فضا	۱	
۱۷. ترکیب‌بندی	۳	✓
۱۸. بافت	۱	
۱۹. سبک	۱	
۲۰. سادگی	۱	
۲۱. عنصر نشانه	۱	
۲۲. تعادل	۱	
۲۳. تقارن	۱	

	۲	۲۴. مجاورت
	۲	۲۵. تباین فضایی
	۱	۲۶. تضاد
	۲	۲۷. سطوح پر و خالی و فضای باز و بسته
	۱	۲۸. ابهام
	۲	۲۹. بازشوها
	۱	۳۰. قوانین گشتالت
✓	۵	۳۳. خاطره‌انگیزی
✓	۶	۳۴. معنی‌داری و آموزندگی
	۲	۳۵. لذت
	۱	۳۶. تعامل
	۲	۳۷. تهیج
	۱	۳۸. خوشنودی
	۲	۳۹. تصویرپذیری
	۲	۴۰. انعطاف‌پذیری و حق انتخاب
	۱	۴۱. اشتیاق
	۲	۴۲. خوانایی
	۲	۴۳. سرزندگی
	۱	۴۴. آرامش

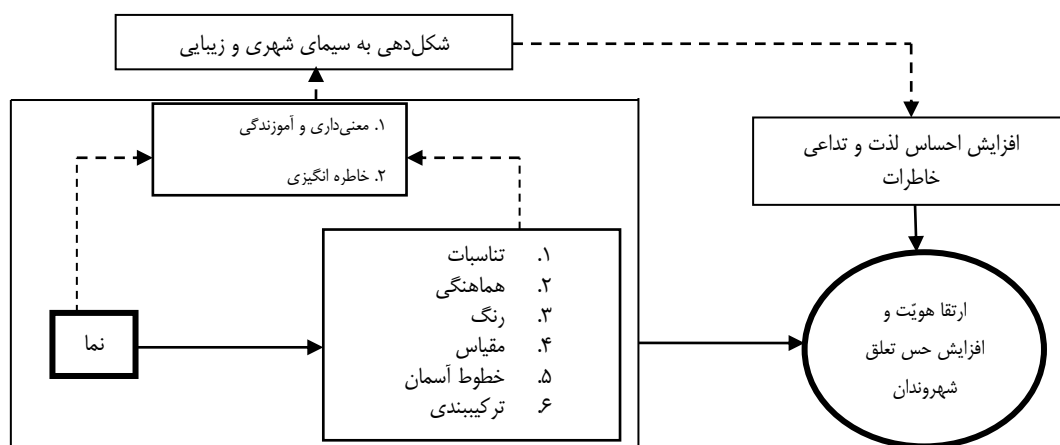


نمودار ۲: نمایش مؤلفه‌های انتخابی حاصل از آراء صاحب نظران (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

تحولات چند دهه اخیر در منظر شهرها، سبب‌شده است تا تدوین ضوابط و مقررات برای ساماندهی نماهای شهری مورد توجه قرار گیرد. به طوریکه یکی از مهم‌ترین مسائلی که نظر طراحان شهری را به خود جلب نموده، مسئله منظر عینی شهر می‌باشد، چرا که بدنه‌های شهری از مؤثرترین عناصر تأثیرگذار بر کیفیت فضاهای شهری محسوب می‌گردند، که اصلاح آنها می‌تواند به بالا رفتن کیفیت منظر عینی شهر و در نهایت منظر ذهنی منجر شود. در این میان، نمای ساختمان‌ها به‌عنوان یکی از اجزای اصلی بدنه‌های شهری باید مورد توجه قرار گیرد، لذا تدوین چارچوب برای طراحی بدنه‌های شهری دارای اهمیتی خاص است. بنابراین متغیرهای کاربردی عینی و ذهنی تأثیرگذار در طراحی نما طبق نتایج به دست‌آمده از آراء صاحب نظران (جدول ۴) دسته‌بندی شده است؛ که به کارگیری عوامل منتخب در طراحی نما می‌تواند راهکار مناسبی جهت افزایش حس تعلق شهروندان به محیط ساخته‌شده باشد. مطابق جدول ۴ و نمودار ۲ متغیرهای عینی و ذهنی مؤثر در طراحی نما در نمودار ۳ نمایش داده شده و به قرار زیر است:

- ✓ متغیرهای عینی؛ تناسب، هماهنگی، رنگ، مقیاس، خطوط آسمان و ترکیب بندی به ترتیب مهم ترین عوامل عینی مؤثر در طراحی نماها محسوب می شوند.
- ✓ متغیرهای ذهنی؛ معنی داری و آموزندگی و خاطره انگیزی نیز مهمترین عوامل ذهنی مؤثر در طراحی نماها محسوب می شوند.



نمودار ۳: مدلی نهایی برای نمایش تأثیر مؤلفه های عینی و ذهنی نما در طراحی بناهای امروزی در جهت ارتقاء هویت

۱-۶. ارائه راهکارهای پیشنهادی برای اعمال هر مؤلفه در طراحی نما، براساس استدلال منطقی از مبانی نظری تحقیق:

- تناسبات
 - ۱- استفاده از تقارن موضعی در طراحی نما در اعمال مؤلفه تناسب می تواند مؤثر باشد.
 - ۲- استفاده از هندسه ساختاری متناسب در ایجاد مؤلفه تناسب در نما می تواند مؤثر باشد.
 - ۳- ایجاد ارتفاعی متناسب با عرض و عرضی متناسب با طول در اعمال مؤلفه تناسب در نما می تواند مؤثر باشد.
- هماهنگی
 - ۱- استفاده از طیف منظمی از ابعاد و اندازه در طراحی اجزای نما در اعمال مؤلفه هماهنگی در نما می تواند مؤثر باشد.
 - ۲- استفاده از اشکال پیوسته و منسجم در طراحی نما در تحقق اعمال هماهنگی در نما می تواند مؤثر باشد.
 - ۳- ایجاد کانون و حس مرکزیت در طراحی نما در اعمال مؤلفه هماهنگی در نما می تواند مؤثر باشد.
 - ۴- وحدت بین نما با جداره های مجاورش در اعمال مؤلفه هماهنگی در نما می تواند مؤثر باشد.
 - ۵- وحدت بین اجزای نما (بازشوها، ستون، تراس و غیره) در اعمال مؤلفه هماهنگی در نما می تواند مؤثر باشد.
 - ۶- رعایت نظم، وحدت و تعادل در اجزای نما در اعمال مؤلفه هماهنگی در نما می تواند مؤثر باشد.
 - ۷- ایجاد ارتباط و اتصال ارکان و اجزای نما با یکدیگر در اعمال مؤلفه هماهنگی در نما می تواند مؤثر باشد.
- رنگ
 - ۱- استفاده رنگ های متضاد و متنوع، تاریک و روشن و سیاه و سفید در اعمال مؤلفه رنگ آمیزی تأثیرگذار در طراحی نما می تواند مؤثر باشد.
 - ۲- استفاده از رنگ های موجود در نماهای اطراف سایت در اعمال مؤلفه رنگ آمیزی تأثیرگذار در طراحی نما می تواند مؤثر باشد.

- **مقیاس**
 - ۱- به کارگیری تنوعی از مقیاس‌های بزرگ و متوسط و کوچک و خیلی کوچک در طراحی نما در اعمال مؤلفه مقیاس می‌تواند مؤثر باشد.
 - ۲- استفاده از مراکز نیرومند با مقیاس‌های مختلف و در مجاورت هم در طراحی نما در اعمال مؤلفه مقیاس می‌تواند مؤثر باشد.
 - ۳- ایجاد تناسب بین ابعاد ساختمان‌ها با ابعاد انسان در طراحی نما در اعمال مؤلفه مقیاس می‌تواند مؤثر باشد.
- **خطوط آسمان**
 - ۱- استفاده از ترکیب‌بندی‌های بلند و کوتاه در ارتفاع نما در اعمال خطوط آسمان مناسب می‌تواند مؤثر باشد.
 - ۲- استفاده از خطوط متناسب با شرایط منطقه برای مثال: خطوط مورب در مناطق معتدل مرطوب، خطوط صاف در مناطق سرد و خطوط منحنی در مناطق گرم در اعمال خطوط آسمان مناسب در طراحی نما می‌تواند مؤثر باشد.
- **ترکیب‌بندی**
 - ۱- استفاده از فضاهای پر و خالی در طراحی نما در اعمال مؤلفه ترکیب‌بندی می‌تواند مؤثر باشد.
 - ۲- استفاده از اشکال هندسی پایه و اصیل در اعمال مؤلفه ترکیب‌بندی می‌تواند مؤثر باشد.
 - ۳- استفاده از ریتم در اجزای نما مثل بازشوها، رواق‌ها و ستون‌ها در اعمال مؤلفه ترکیب‌بندی می‌تواند مؤثر باشد.
 - ۴- استفاده از نظم در طراحی اجزا نما مثل در و پنجره و مصالح در اعمال مؤلفه ترکیب‌بندی می‌تواند مؤثر باشد.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۸). *حقیقت و زیبایی*. چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات مرکز.
- ارجمندفر، مسعود (۱۳۸۸). *بررسی مقایسه‌ای ترجیحات محیطی مردم و گروه‌های مؤثر در حوزه نماهای مسکونی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری. دانشگاه علم و صنعت تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۲). *پدیدارشناسی نماهای مسکونی و سیر تکوین توقعات از آن*. هنرهای زیبا، (۱۴).
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶). *مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری*. تهران: انتشارات شهیدی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵). *سیمای شهر و آنچه کوبین لینچ از آن می‌فهمید*. فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، (۱۶)، ۵۳.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶). *اصول بافت شهرهای سنتی ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات شهیدی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶). *مقالاتی در باب مفاهیم معماری و شهرسازی*. مسکن بهینه و توقعات کیفی از آن.
- توسلی، محمود (۱۳۶۷). *اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران*. جلد اول. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- توسلی، محمود (۱۳۸۲). *اصل ارتباط در طراحی شهری*. مجله هنرهای زیبا، (۱۴).
- حبیب، فرح (۱۳۸۵). *کندو کاوی در معنای شکل شهر*. نشریه هنرهای زیبا، (۲۵)، ۱۴-۵.
- حبیب، فرح؛ شاملو، شبنم (۱۳۸۹). *تبیین مفهوم شناختی معیارهای زیباشناسی در منظر شهر*. هویت شهر، (۷)، ۱۶-۵.
- خاکزند، مهدی؛ همکاران (۱۳۹۳). *شناسایی عوامل مؤثر بر طراحی بدنه‌های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناسی و زیست-محیطی مطالعه موردی: خیابان ولی‌عصر-شهر قشم*. مطالعات شهری، (۱۰)، ۲۶-۱۵.
- ذکاوت، کامران (۱۳۷۵). *چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر*. نشریه آبادی، (۵۳)، (۱۸ دور جدید).
- صفامنش، کامران (۱۳۷۳). *طرح بهسازی خیابان‌ها لاله‌زار*. سازمان زیباسازی شهر تهران.

- صفرنژاد، مهسا (۱۳۹۴). طراحی معماری مرکز اداری آموزشی پژوهشی و حفاظتی میراث فرهنگی شهر رشت در جهت ارتقاء هویت و افزایش حس تعلق شهروندان با تأکید بر نمادها و نشانه‌های معماری بومی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد (امیررضا کریمی‌آذری و حمزه غلامعلی‌زاده). پردیس دانشگاه گیلان.
- عابدی. محمد مهدی (۱۳۹۱). الحاقات نما، نیاز فراموش شده. معماری و فرهنگ، (۵۱).
- قربان‌زاده، مریم و همکاران. (۱۳۹۲). بررسی ضرورت و میزان بهره‌مندی نماهای ساختمان‌های مسکونی معاصر از اصول معماری بومی نمونه موردی: نماهای مسکونی شهر بجنورد. مشهد: موسسه آموزش عالی خاوران.
- کربلایی نوری، رضا (۱۳۸۶). هویت شهر خاطره. تهران: مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید.
- کریمی‌آذری، امیررضا؛ علیرضایی، مهدی؛ و کریم دخت، فرانک. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی منظر شهری (نمای ساختمان) با بررسی فرهنگ آپارتمان‌نشینی (مطالعه موردی: شهر سیاهکل). تهران: کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، ۹-۱.
- کالن، گوردن (۱۳۸۲). گزیده منظر شهری. (منوچهر طیبیان، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گروتز، یورگ (۱۳۸۶). زیبانشاخی در معماری. (جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.
- گلکار، کورش (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. نشریه علمی پژوهشی صفا، (۳۲)، ۶۵-۳۸.
- لینچ، کوین (۱۳۸۷). سیمای شهر. (منوچهر مزینی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لنگ، جان (۱۳۹۱). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. چاپ اول. (علیرضا عینی‌فر، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نصر، طاهره (۱۳۸۳). نگاهی به هویت در معماری. International Road & Structure Monthly Magazine (۳۱). ۶۹-۷۱.
- نصر، طاهره؛ ماجدی، حمید (۱۳۹۲). نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی. معماری و شهرسازی آرمان شهر، (۱۱)، ۲۷۷-۲۶۹.
- ویتیک، آرنولد (۱۳۸۵). مبانی زیبایی‌شناسی در محیط شهری. (جواد مهدی‌زاده، مترجم). جستارهای شهری، (۱۷ و ۱۸)، ۳۹-۲۸.
- ویتروویوس، پولیو (۱۳۸۸). ده کتاب معماری ویتروویوس. (ریما فیاض، مترجم). تهران: دانشگاه هنر.
- هاشم‌پور، رحیم؛ محمودی، آذر؛ مومن، امین؛ مرعشی، سید فواد (۱۳۹۴). تحلیلی بر رابطه میان شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی از منظر کیفیت و امنیت کالبدی در بافت قدیمی شهر ارومیه. دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، (۱۲)، ۴۶-۳۳.
- هدمن، ریچارد یازوسکی (۱۳۷۰). مبانی طراحی شهری. (راضیه رضازاده و مصطفی عباس‌زادگان، مترجم). دانشگاه علم و صنعت ایران.
- Alexander, C. (1970). The timeless way of building, New York: Oxford University Press.
- Bentley, Ian., Alcock, A., Murrain, P., McGlynn, S. & Smith, G. (1985). Responsive Environment: A Manual for Designers. London: Architectural Press.
- Foo Tuan Seik. (2000). Subjective assessment of urban quality of life in Singapore, Habitat International, 24, pp 31-49.
- Kokabi , Afshin, Pourjafar, Mohamad Reza, Taghvai, Ali Akbar. (2005). Quality life planning in city centers, meanings and differentiations. Jostarhay Shahri. number 12, pp 6-13.
- Krier, Leon. (1992). Architecture & Urban Design. Academy Editions.
- Lynch, Kevin. (1984). The Image of City. MIT press.
- Lynch, Kevin. (1981). Is a General Normative Theory possible? In Good City Form Cambridge. Mass: MIT Press.

-Mahmoudi Nezhad, Hadi, Sadeghi, Ali .(2008). Urban Design from psychology up to social welfare. first cover. Tehran: Helleh publication.

-Rabbani, Khorasgani, Ali,Masoud Kianpour .(2007). Proposed model for measuring the quality of life. case study : Isfahan Adabiyat va Oloum e Ensani Journal. year 15, number 59, pp 68-108.

Identification of subjective and objective components influencing on the view designing in order to improve identity of urban landscape and increasing belonging sense of citizens

Amirrezakarimi Azar*- Assistant Professor, Architecture and art faculty, University of Guilan, Rasht, Iran.

Mahsa SafarNejad- M.A in architecture, Pardis of Gilan University, Rasht, Iran.

Abstract

Facade making in building and creating urban body are a cultural identity debate. Increasing urban developments, the lack of construction limit, mass production expansion in recent years has been caused the view of many cities suffer from a kind of disorderliness that this disorganization in our urban landscape is mainly results from blindly imitation of architectural styles and the absence of classified variables for application in designing views. However, different views in the urban crust can disturb the beauty of the whole city. Therefore, identification and formulation of subjective and objective components for designing ideal and integrated view in urban areas are necessary, since diversity and heterogeneity in urban views has created kind of non-identity and lack of integration in concepts related to the architecture in the field of urban view and landscape. Thus, it seems that urban identity and increasing sense of belonging and citizen pleasure are depend upon view forming and beauty that can be possible by identifying and utilizing certain formulated principles for view designing. This research is intended to reread visual identity in urban views in conformity with architectural identity components investigating the importance and the effect of view in creating identity for environment and effective variables in building facade resulting in improving identity and increasing the sense of belonging of citizens. Results show the indices such as proportions, harmony, color, scale, and lines in the sky and composition is objectively significant and meaningfulness, instructiveness and memorableness are effective in the facade design.

Keywords: facade, urban landscape citizen's sense of belonging, identity, objective and subjective components.

* Corresponding Author: amirreza_karimiazari@guilan.ac.ir